دستور زبان

عنوان مقاله:نقشهاى دستورى و معنایى اسم در فارسى و انگلیسى. نویسنده:على خزاعى فر مأخذ:مجله مترجم:سال ششم، ش 21 و 22، ص 2-6

هر زبان، ساختمان نحوى و معنایى مخصوص به خود دارد.درنتیجه یک پیام واحد در دو زبان همیشه در قالبى مشابه بیان نمى‏شود.مترجمان براى انتقال پیام از زبانى به زبان دیگر، روشهاى مختلفى به کار مى‏برند.یکى از این روشها، روش «تغییر صورت»است.در این مقاله از یک نوع تغییر صورت که گاه در ترجمه از انگلیسى به فارسى ضرورت مى‏یابد سخن به میان آمده و آن تغییر نقش دستورى فاعل است.

در این مقاله نخست توضیحاتى درباره نقش دستورى آمده است:

اسم یا عبارت اسمى در جمله مى‏تواند سه نوع نقش متفاوت داشته باشد:نقش دستورى، نقش معنایى و نقش کلامى.نقش دستورى اسم، همان مقوله دستورى اسم است.اسم یا عبارت اسمى در جمله یا فاعل است یا مفعول صریح یا مفعول غیر صریح و این نقش دستورى آن است.اما نقش معنایى چیست؟جمله یا بیانگر یک وضعیت یا بیانگر یک واقعه است، مثلا جمله«هوا سرد است»وضعیتى را گزارش مى‏کند حال اینکه جمله«على نان را با چاقو برید»بیانگر یک واقعه است. هر جمله خواه بیانگر یک وضعیت یا یک واقعه باشد متشکل از یک یا چند اسم یا عبارت اسمى است که هرکدام در واقعه نقش متفاوتى دارند که این نقشها را نقشهاى معنایى اسم مى‏گویند.اسم ممکن است عامل عمل، پذیرنده عمل، بهره‏ور از عمل، مکان عمل، وسیله عمل، منشا عمل یا همراه فاعل باشد.

نویسنده در ادامه بحث، جمله‏هاى انگلیسى را به عنوان مثال آورده که در ترجمه آنها به فارسى نقش دستورى عبارت اسمى حفظ شده است:

على نامه را پست کرد. .rettel eht detsop ilA

در این جمله‏ ilA فاعل و عامل و rettel eht مفعول و پذیرنده عمل است.

گاهى مترجم مجبور است ضمن حفظ نقش معنایى عبارت اسمى، نقش‏ دستورى دیگرى به آن بدهد؛براى مثال:

او به تقاطع نزدیک شد. noitcesretni-eht dehcaorppa eH

آنها از او چیزى ندزدیدند. reh bor t''''ndid yhT

در این مثالها، نقش دستورى مفعول در جمله انگلیسى با نقش دستورى آن در ترجمه تفاوت دارد.در جمله نخست‏ noitcesretni eht مفعول صریح است حال اینکه از لحاظ معنایى بیانگر مکانى است که فاعل به سوى آن در حرکت است.در فارسى معمولا مکان عمل را به صورت مفعول صریح بیان نمى‏کنند.در جمله دوم هم، نقش دستورى‏ reh مفعول صریح است ولى از نظر معنایى‏ reh منشأ عمل است.بعدازاین توضیحات، نویسنده به مقایسه انگلیسى و فارسى از لحاظ تنوع نقشهاى معنایى که به فاعل واگذار مى‏شود، مى‏پردازد.دراین‏مورد سخن«هاوکینز» را نقل مى‏کند که درباره وجوه اختلاف زبان انگلیسى و آلمانى مى‏گوید:«در زبان انگلیسى برخلاف زبان آلمانى، فاعل و مفعول عهده‏دار نقشهاى بسیار متنوعى هستند.این توانایى از آنجاست که این زبان فاقد نظام حالت است و فاعل و مفعول نشانه حالت ندارند...»نویسنده در ادامه مى‏گوید زبان فارسى نیز مثل زبان انگلیسى نظام حالت خود را از دست داده است.فاعل در هر دو زبان، نشانه حالت ندارد و نقش معنایى مفعولهاى غیر صریح با حرف اضافه بیان مى‏شود.اما در فارسى در مقایسه با انگلیسى، ارکان جمله با آزادى بیشتر در طول جمله جابه‏جا مى‏شوند و بخصوص در فارسى محاوره، همه ارکان جمله حتى فعل را مى‏توان به اقتضاى کلام در هرجا قرار داد.ازآن‏گذشته در فارسى، برخلاف انگلیسى، لزومى ندارد که جمله حتما فاعل داشته باشد.در فارسى جمله حداقل یک عضو دارد و آن فعل است زیرا نه تنها فاعل بلکه مفعول را نیز مى‏توان حذف کرد و آنها را به صورت ضمیر پیوسته نشان داد، مثلا«مى‏بینمش».

بنابراین در فارسى به دلیل سهولت در جابه‏جایى ارکان جمله براى مقاصد کلامى، نیازى احساس نمى‏شود که فاعل، برخى نقشهاى معنایى را به عهده بگیرد. بدین‏ترتیب در ترجمه انگلیسى که در آنها مفعول غیر صریح به ابتداى جمله انتقال یافته و نقش فاعل دستورى پیدا کرده است، معمولاتغییر صورت ضرورت‏ مى‏یابد، هرچندکه در برخى موارد در فارسى نیز نقش دستورى مفعول غیر صریح به فاعل انتقال مى‏یابد، براى مثال جمله«شش نفر را با این غذا مى‏توانى سیر کنى» در زبان محاوره گاه به صورت«این غذا شش نفر را سیر مى‏کند»بیان مى‏شود.

البته این بدان معنا نیست که هرجا انگلیسى را، که در آن نقش معنایى غیر از عاملیت دارد، مى‏توان به جمله نظیر در فارسى ترجمه کرد، براى مثال جمله‏ siht sknits moor را مى‏توان به«این اتاق بو مى‏دهد»ترجمه کرد، اما ترجمه‏ tnet siht ruof speels به«این چادر چهار نفر را مى‏خواباند»قابل قبول نیست.

عنوان مقاله:فعل شبه مجهول در فارسى و انگلیسى نویسنده:على خزائى فر مأخذ:فصلنامه مترجم، سال پنجم، شماره بیستم، زمستان 1374، ص 2-12

در این مقاله نویسنده با بیان اینکه دستورنویسان سنتى فعل را به لازم و متعدى تقسیم کرده‏اند به بررسى فعل لازم پرداخته و آن را به دو گروه تقسیم کرده است:

1-گروهى که در آن فاعل، عامل فعل است، مثلا در جمله«من پیاده‏روى مى‏کنم»«من»عامل راه رفتن است.این گروه از افعال را«لازم محض»نامیده است.

2-گروهى که در آن فاعل عامل نیست، بلکه از فعل اثر پذیرفته و درنتیجه حالت و وضعیت آن تغییر کرده است؛مثلا در جمله«بچه‏ها گول خوردند»و یا «کاغذها پراکنده شد»بچه‏ها عامل گول خوردن و یا کاغذها عامل پراکنده شدن خود نبوده‏اند بلکه این دو از فعل اثر پذیرفته‏اند.این‏گونه افعال را شبه مجهول نامیده است.

نویسنده براى تمیز بین فعل مجهول و شبه مجهول، به بررسى معناى فعل شدنپرداخته و گفته است که فعلشدنعلاوه بر ساختار فعل مجهول براى لازم کردن فعل متعدى نیز به کار مى‏رود؛مثلا«خشک کردن»؟«خشک شدن»و یا «پژمردن»؟پژمرده شدن.بدین‏جهت براى تشخیص لازم یا مجهول بود فعل، باید به معناى فعل«شدن»توجه کرد.

جملاتى که فعل مجهول و شبه مجهول دارند در یک خصوصیت مشترکند و آن اینکه در هر دو، فاعل دستورى-که نه عامل است و نه عمل-از فعل اثر مى‏پذیرد و تغییر وضعیت مى‏دهد.در جمله مجهول، فاعل دستورى در نتیجه دخالت ارادى عاملى خارجى تغییر وضعیت مى‏دهد؛مانند:«زندانى کشته شد».ولى در جمله داراى فعل شبه مجهول، فاعل دستورى از عمل ارادى عامل و یا علت اثر مى‏پذیرد؛مانند:«آب تبخیر شد»و یا«گل پژمرده شد».سپس اختلاف این دو فعل را که با شدن بیان مى‏شوند با استفاده از نظریه پروتامپس در مورد نسبى بودن تعدى توضیح داده است.

سپس به بررسى مفهوم فعل شبه مجهول در زبان انگلیسى پرداخته و نوشته است که این مفهوم در زبان انگلیسى با سه نوع فعل بیان مى‏شود:1-فعل میانه 2- فعل آرگتیو 3-فعل متشکل از teg +اسم مفعول و وجه اشتراک این سه فعل را غیر عامل بودن فاعل این افعال بیان کرده است.آنگاه به بررسى فعل میانه و ارگتیو پرداخته و نوشته است که تفکیک میان افعال ارگتیو و میانه در مورد زبان فارسى صدق نمى‏کند و هر دو تحت عنوان شبه مجهول مى‏گنجد.افعال میانه و ارگتیو انگلیسى را مى‏توان به افعال شبه مجهول نظیر آنها ترجمه کرد اما عکس این صادق نیست و نیز اگر متنى را از انگلیسى به فارسى ترجمه کنیم طبعا برخى از افعال مجهول به افعال شبه مجهول ترجمه مى‏شود و برعکس اگر متنى از فارسى به انگلیسى ترجمه کنیم مجبوریم برخى افعال شبه مجهول را به مجهول تبدیل کنیم.

که در مورد فعل‏ «teg» نوشته است که این گاهى براى ساختار مجهول به کار مى‏رود ولى اغلب نقشش همانند فعل شدن در زبان فارسى، بیان تغییر در وضعیت فاعل دستورى است و در بسیارى از مواقع مى‏توان‏ teg را به افعال شبه مجهولى که با فعلشدنساخته مى‏شوند، ترجمه کرد.